



سرشناسه	: شیرعلی، حمیدرضا / ۱۳۹۳
عنوان قراردادی	: مثنوی، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: جام جان افزا / حمیدرضا شیرعلی (مهرآیین)
مشخصات نشر	: قم: جام جوان، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۲۲۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۱۱-۹۰-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد
لشانه افزوده	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی، شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ج ۲ ص ۷۷ PIR5۳۰۱/
رده بندی دیویی	: ۵۸۱ / ۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۰۵۱۹۴



نام کتاب: جام جان افزا
 مؤلف: حمید رضا شیرعلی (مهرآیین)
 ناشر: جام جوان
 مدیر اجرایی: سهراب جینور
 ناظر چاپ: وحید هوشمند
 طراح: علیرضا اقبالپور
 نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۳
 چاپ: اصیل
 تیراژ: ۱۰۰۰
 قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۱۱-۹۰-۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

دفتر فروش: قم، خیابان سمیه، کوچه ۳، پلاک ۳۱، تلفن: ۳۷۷۴۷۲۹۴

انتشارات مارینا و جام جوان نمابر: ۳۷۷۴۷۲۹۴

همراه: ۰۹۱۲۱۵۲۰۲۸۹

ارتباط با ناشر: sohrab2009nashr@yahoo.com

فهرست مطالب

۱۳.....	سرآغاز سخن.....
۱۵.....	غریب سرزمین حیرت.....
۱۷.....	بسم الله بی آغاز و پایان.....
۲۲.....	جام جان افزا.....
۲۹.....	مولوی و شب قدر.....
۳۵.....	از قدرناشناسی تا هلاکت.....
۳۸.....	ستیز حکمت و ملالت.....
۴۰.....	عرفات معرفت.....
۴۷.....	سیمای امام حسین علیه السلام در غزلیات مولوی.....
۵۳.....	نخل عقل و خرمای معرفت.....
۵۷.....	قضاوت از منظر مولانا.....
۶۸.....	انگاره های هویت.....
۷۳.....	مولانا و دبی فورد.....
۷۸.....	نوروز مولانا.....
۸۲.....	مولوی؛ خواب یا بیدار؟.....
۸۸.....	امتزاج ظاهری نیکی و بدی.....

- ۹۱..... فرو ریختن دیوارهای شرم عبودی.....
- ۹۲..... ناز و نیاز.....
- ۹۴..... آدمی در میانه ی گرسنگی و سیری.....
- ۹۶..... سیاه و سپید.....
- ۹۸..... موسی علیه السلام و خضر.....
- ۱۰۰..... هستی و نیستی.....
- ۱۰۲..... سخن بی حرف و حدیث بی لب.....
- ۱۰۳..... ارض واسع خداوند.....
- ۱۰۵..... پندار کمال.....
- ۱۰۷..... رهایی از ادکلن های دو روزه.....
- ۱۰۹..... عیبی به نام عیب بوی.....
- ۱۱۱..... جنگ کودکان.....
- ۱۱۳..... رسیدن به مقام عین الیقین.....
- ۱۱۵..... آینه و میزان.....
- ۱۱۷..... جاذبه ی جنسیت.....
- ۱۲۰..... بندگی در غیب.....
- ۱۲۳..... آتش شهوت.....
- ۱۲۶..... هجوم خشم.....
- ۱۲۸..... فراق؛ تلخ ترین شوکران عالم.....
- ۱۳۱..... از درد تا درمان.....
- ۱۳۴..... خلوتگاه حق.....
- ۱۳۷..... بن بست استدلال و قیاس.....
- ۱۴۰..... ستیز تقلید و تحقیق.....
- ۱۴۲..... طیبیان بی دستمزد.....
- ۱۴۴..... از حسن تا احسن.....

- ۱۴۶..... مالک ملک وجود.....
- ۱۴۹..... پرده ی زبان بر درگاه جان.....
- ۱۵۱..... عطش وصل.....
- ۱۵۴..... جاهلیت ادوار.....
- ۱۵۷..... کیمیای محبت.....
- ۱۶۰..... ستیز تشبیه و تنزیه.....
- ۱۶۷..... دنیا و ستیز ناسازها.....
- ۱۷۱..... از غفلت کودکان تا آگاهی پیرانه.....
- ۱۷۳..... بیداری در خواب و خواب در بیداری!
- ۱۷۵..... بل ویران.....
- ۱۷۷..... مسجد دل.....
- ۱۸۰..... خطای فکر.....
- ۱۸۳..... چه کنیم که مربای جانمان شکرک زند.....
- ۱۸۶..... قیامت و کمال.....
- ۱۸۹..... صورت و معنی.....
- ۱۹۲..... کرامت انسانی.....
- ۱۹۵..... خلق بخشی کار یزدان است و بس.....
- ۱۹۸..... حسرت جلالی.....
- ۲۰۱..... شهر عقل و روستای نفس.....
- ۲۰۴..... زیستن در میانه ی اطمینان و هراس.....
- ۲۰۸..... جدال میان کوری و بینایی.....
- ۲۱۱..... سخت گیری و تعصب خامی است.....
- ۲۱۵..... وهم و خیال از منظر مولانا.....
- ۲۱۸..... کیمیای صبر.....
- ۲۲۱..... رفتن ارواح، دیگر رفتن است!

- ۲۲۵..... پنجره ی ایمان
- ۲۳۰..... گریز از حماقت
- ۲۳۷..... حزم چه بود؟ در دو تدبیر احتیاط
- ۲۴۳..... بوی پیراهان یوسف
- ۲۵۰..... درخور دریا نشد جز مرغ آب
- ۲۵۸..... آن عاشق خونابه ریز
- ۲۶۲..... از دوزخ غفلت تا بهشت آگاهی
- ۲۶۵..... طبابت عشق
- ۲۶۹..... عزت خداوندی و عزت انسانی
- ۲۸۴..... درخت زهر آلود خودپرستی
- ۲۸۷..... جهان وارونگی هر
- ۲۹۲..... معرفت موسیقایی
- ۲۹۷..... از ضلالت تا هدایت
- ۳۰۱..... عقل جزوی را وزیر خود مگیر
- ۳۰۴..... جویبار وحی
- ۳۰۷..... شمع اندر شب بود اندر قیام
- ۳۰۹..... نامه ی اعمال
- ۳۱۲..... آن فراست این زمان یار من است
- ۳۱۵..... پیر عقل
- ۳۱۸..... گم کردن سوراخ دعا
- ۳۲۱..... نردبان خلق
- ۳۲۵..... از حسادت تا کمال
- ۳۲۹..... با خدا باش؛ پادشاهی کن
- ۳۳۲..... ظاهر و باطن دنیا
- ۳۳۶..... جمع کن خود را؛ جماعت رحمت است

- چون تو را نوح است کشتیان ز طوفان غم مخور..... ۳۳۹
- آتش شوق..... ۳۴۲
- (شرح غزلی از دیوان کبیر)..... ۳۴۲
- ای دل چه اندیشیده ای؟!..... ۳۵۲
- بار دگر..... ۳۶۱
- آمد رمضان و عید با ماست..... ۳۶۷
- ساربانان اشتران بین سر به سر قطار مست..... ۳۶۹
- چه مایه رنج کشیدم ز یار..... ۳۷۲
- از قونیه تا گلستانه..... ۳۷۸
- همه عمر بر ناله سر از این خمار مستی..... ۳۸۶
- غیرت نگذارد که بگویم که مرا کشت..... ۳۹۶
- گره زلف یار..... ۴۰۱
- صرع و ماه نو..... ۴۱۰
- عدالت از منظر سقراط و مولوی..... ۴۱۳
- میان بندگی را بیایدت بست..... ۴۱۴
- مآخذ..... ۴۱۸

سرآغاز سخن

همواره گفته اند و شنیده ایم که مهمترین درسی که آدمی از عرفان می آموزد، لزوم شناخت خویشتن خویش است؛ و چه بسا، کثرت کاربرد چنین جمله یی در مکاتب عرفانی، از محدوده ی الفاظ خارج نمی شود؛ برآستی، جهت رها ساختن نفس از عدم انطباق قول و فعل چه باید کرد؟ به عبارت دیگر، چرا، جوامع بشری، خودآگاه یا ناخودآگاه، در عین آگاهی از ضرورت زیست دینی و عرفانی و اخلاقی و انسانی، سرشار است از عاملان غیر عارف و عارفان غیر عامل؟ بدیهی است که اساسی ترین پرسش علوم انسانی، عبارت است از «چه باید کرد؟» و بدیهی تر این که تکرار پاسخ «و جوب خودشناسی»، احیاناً، از مرز ابتذال نیز می گذرد. دلتوشت حاضر، کوششی است که نگارنده در امتداد مطالعه ی کلام قرآنی جلال الدین محمد بلخی رومی (مولانا)، تنها و تنها، در راستای تقریب به هن و عین خویش انجام داده است؛ و به حمد خداوند سبحان، آناتی که ممکن بود بر بستر غفلت محض، طی شود، بر فراز سرزمین فکر و ذکر گذشت؛ هرچند، سعی نویسنده، همواره بر آن بوده است که هرگز، مدعای گزاف صلاح و صواب عقل و ایمان را، به دیگر نواقص خویش نیفزاید.

و من الله التوفیق

حمیدرضا شیرعلی (مهرآیین)

مازندران - تابستان ۱۳۹۳ شمسی